

شناسایی ابعاد و مولفه‌های نفوذ اجتماعی در سبک رهبری شهید قاسم سلیمانی

دکتر لطف‌الله فروزنده دهکردی^۱، زینب طرفه^۲

۱- دارای مدرک دکتری حرفه‌ای در رشته مدیریت استراتژیک از دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تربیت مدرس

۲- کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، گروه بازرگانی و مدیریت اجرایی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی ابعاد و مولفه‌های نفوذ اجتماعی در سبک رهبری شهید قاسم سلیمانی است. تأثیر و نفوذ اجتماعی ویژگی زندگی روزمره است. تأثیر اجتماعی اشکال مختلفی دارد و می‌توان آن را در فرآیندهای انطباق، اجتماعی‌سازی، فشار همسالان، اطاعت، رهبری، متقاعدسازی، نفوذ اقلیت و تغییرات اجتماعی مشاهده کرد. شهید قاسم سلیمانی، از اسطوره‌های اسلامی - ایرانی و از قهرمانان ملی کشور محسوب می‌شود که از شایستگی‌ها و صلاحیت‌های بی‌نظیر فردی، معنوی و رفتاری برخوردار است که هدایت و فرماندهی مجموعه‌های بزرگی را در سطوح سازمانی و اجتماعی عهده‌دار بود که ایشان با عملکرد کامل و صحیح در حوزه‌های اجتماعی، نظامی، سیاسی و فرهنگی؛ شخصیتی ممتاز و بی‌بدیل گشتند که برای درس‌آموزی افراد جامعه الگوی بسیار شایسته‌ای شوند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که امکان نفوذ اجتماعی در مکتب شهید سلیمانی بر منابع نفوذ مبتنی است که قدرت مرجعیت اجتماعی، اعتبار، جذابیت آن را ایجاد می‌نماید. لازمه نفوذ اجتماعی، وجود منابع قدرتی در رهبر است که امکان نفوذ را محقق می‌کند. منابع قدرت سردار نه از جایگاه رسمی اش نشأت می‌گرفت و نه از قدرت تنبیه و پاداش.

واژگان کلیدی: نفوذ اجتماعی، رهبری جهادی، شهید حاج قاسم سلیمانی

۱- مقدمه

پیش از اینکه سردار قاسم سلیمانی به شهادت باشکوه‌اش نائل گردد، بسیاری او را یک شخصیت جهانی می‌خواندند. بارها تصویر او در روی جلد مجلات پرمخاطب خارجی آمده بود و نام او میلیون‌ها بار در رسانه‌های مختلف نقش بسته بود. او سال‌ها در کانون تحلیل‌های جهانی قرار داشت. از او به عنوان مؤثرترین فرد نظامی خاورمیانه یاد می‌شد و فرماندهان ارشد نظامی دنیا از او به عنوان یک استراتژیست بی‌بدیل یاد می‌کردند. شهید قاسم سلیمانی، از اسطوره‌های اسلامی-ایرانی و از قهرمانان ملی کشور محسوب می‌شود که از شایستگی‌ها و صلاحیت‌های بی‌نظیر فردی، معنوی و رفتاری برخوردار هست که هدایت و فرماندهی مجموعه‌های بزرگی را در سطوح سازمانی و اجتماعی عهده‌دار بود که ایشان با عملکرد کامل و صحیح در حوزه‌های اجتماعی، نظامی، سیاسی و فرهنگی؛ شخصیتی ممتاز و بی‌بدیل گشتند که برای درس‌آموزی افراد جامعه الگوی بسیار شایسته‌ای شوند. مدافعان حرم و شهدای مدافع حرم واژه‌هایی هستند که توسط حاج قاسم سلیمانی، در سوریه و در دفاع از حرم در نبرد با تروریسم تکفیری و داعش در عراق و خصوصاً حرم اهل بیت عصمت و طهارت، پس از سال ۲۰۱۱ ابداع گردید که خیل عظیمی از جوانان کشورهای منطقه غرب آسیا و حتی اروپا و آمریکا را نیز راهی کشورهای یاد شده نمود، تا از حرم اهل بیت عصمت و طهارت دفاع نمایند. شهید مدافع حرم، که پرافتخارترین عنوان امروز ایران است؛ نشان از مردانی بی‌ادعا دارد که با آغاز تهدید برای حرم اهل بیت علیهم السلام، با اقتدا به سیدالشهدای مدافعین حرم، بندهای پوتین را محکم بسته، مشتاقانه به نبرد علیه باطل شتافتند تا با فریادهایشان به دشمن بفهمانند که ملت جمهوری اسلامی ایران تعرض به مقدسات مسلمانان را تحمل نخواهند کرد. در این مقاله تلاش است تا به ویژگی‌های شهید قاسم سلیمانی پرداخته و مولفه‌های نفوذ اجتماعی در رویکرد مدیریتی او تبیین گردد.

۲- نفوذ اجتماعی

تأثیر و نفوذ اجتماعی ویژگی زندگی روزمره است: در طی روز یا تلاش می‌کنیم بر دیگران تأثیر بگذاریم یا هر روز بارها تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیریم. تأثیر اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که افکار، احساسات و اعمال یک فرد تحت تأثیر افراد دیگر قرار گیرد. این بخش اساسی روابط هم در درون گروه و هم بین گروه‌ها است. تأثیر اجتماعی اشکال مختلفی دارد و می‌توان آن را در فرآیندهای انطباق، اجتماعی‌سازی، فشار همسالان، اطاعت، رهبری، متقاعدسازی، نفوذ اقلیت و تغییرات اجتماعی مشاهده کرد. مطالعات انجام شده در حیطه تأثیر اجتماعی به توسعه روانشناسی اجتماعی به عنوان یک رشته علمی کمک کرده است. در واقع، بسیاری از مطالعات کلاسیک در روانشناسی اجتماعی، در هسته خود، تأثیر اجتماعی را مورد مطالعه قرار می‌دهند. به عنوان مثال، مطالعات اش^۱ (۱۹۵۶) قدرت نفوذ اجتماعی را در تغییر درک و فهم افراد از محرک‌های بسیار واضح (یعنی مقایسه طول خطوط) نشان داد. مطالعات اطاعت میلگرام^۲ (۱۹۷۴) نشان می‌دهد که افراد تا چه حد مایلند تا از دستورات یک شخصیت اقتدار پیروی کنند، در

^۱ Asch^۲ Milgram

حالی که موسکویک و فاچه اوکس^۳ (۱۹۷۲) راه‌هایی را نشان دادند که اقلیت‌ها می‌توانند نظرات اکثریت را تغییر دهند.

نفوذ اجتماعی بر تأثیر فرآیندهای سطح فردی، انواع مختلف هنجارها و فرآیندهای هویتی بر پذیرش تأثیر و رفتار فردی متمرکز هستند. وان کواکبک^۴ (۲۰۱۱) بر پذیرش پیروان نسبت به نفوذ یک رهبر تمرکز می‌کند، که عامل مهمی در تعیین اثربخشی یک رهبر است. تحقیقات او نه تنها تطابق بین رهبر فعلی و رهبر ایده‌آل (یعنی نمونه اولیه رهبر آن‌ها) را در نظر می‌گیرد، بلکه تأثیر تفاوت‌های فردی پیروان را در میزانی که آن‌ها خود را آماده رهبری می‌دانند و در تمایل پیروان به ارزیابی خود از دیگران (جهت‌گیری اجتماعی) بر ادراک خود تکیه می‌کنند. نتایج نشان‌دهنده گسترش تئوری طبقه‌بندی رهبر است، و تأکید می‌کند که در نظر گرفتن راه‌هایی که پیروان خود را در آن می‌بینند برای درک تأثیر رهبران مهم است. فورنارو و همکاران^۵ (۲۰۱۱) تأثیر انواع مختلف هنجارهای اجتماعی، مانند هنجارهای دستوری در مقابل هنجارهای توصیفی، را بر رفتار بررسی می‌کنند. مقاله آن‌ها همچنین نقش هنجارهای محلی را به عنوان هنجارهای مرتبط با افرادی که دارای محیط فیزیکی - فضایی یکسانی هستند مورد بحث قرار می‌دهد.

نفوذ اجتماعی به دلیل انگیزه‌های مصرف‌کننده، از جمله انگیزه‌های هنجاری اطلاعاتی و اجتماعی، تصمیم‌گیری مصرف‌کننده را هدایت می‌کند. بر اساس استدلال کلمن^۶، افراد تحت تأثیر سه فرآیند اجتماعی قرار می‌گیرند: درونی سازی، شناسایی و انطباق. درونی‌سازی زمانی اتفاق می‌افتد که یک فرد نفوذ را بپذیرد زیرا محتوای رفتار القایی ذاتاً پاداش‌دهنده است (کلمن، ۱۹۸۵). درونی سازی به این دلیل کار می‌کند که خریداران ارزش تأثیر را پیدا می‌کنند، مانند یک راه حل حرفه‌ای برای یک مشکل خاص یا اطلاعات مهم. انطباق نشان‌دهنده همذات‌پنداری فرد با جامعه اجتماعی است، مانند احساس تعلق و عضویت یا انعکاس آنچه طرف مقابل بیان می‌کند، تأیید نظرات آن‌ها یا حتی رفتار مشابه آن‌ها (مک‌فارلند^۷، ۲۰۰۶). انطباق زمانی اتفاق می‌افتد که افراد امیدوارند واکنش‌ها یا پاداش‌های مطلوبی را از شخص دیگری دریافت کنند. انطباق همچنین منعکس‌کننده تأثیر هنجاری افراد مهم و قصد اجتناب از «مجازات» خاصی است که عامل تأثیرگذار است (براون^۸، ۱۹۹۵) یوکل^۹ (۲۰۰۰) مولفه‌های نفوذ اجتماعی را بدین گونه بیان می‌نماید:

- **مقاعد سازی:** در این قسمت فرد تأثیرگذار برای جلب رضایت زیردستان از منطق و واقعیات استفاده می‌کند و اگر تغییری را پیشنهاد کرده باشد، به روشنی توضیح می‌دهد که این تغییر برای رسیدن به هدف ضروری است.
- **تبادل:** در هنگام انجام کار؛ از پیروان درخواست می‌شود که تقاضای خود را بیان نمایند. همچنین در پاسخ به کار پیرو، کار بهتری را به زیردستان پیشنهاد می‌نمایند.

^۳ Moscovici, Faucheux

^۴ Van Quaquebeke

^۵ Fornara, Carrus, Passafaro, Bonnes.

^۶ Kelman

^۷ McFarland

^۸ Brown

^۹ Yukl

- **جاذبه‌های الهام بخش:** همواره صحبت از مسائل ارزشی برای افراد لذت بخش است. فرد تاثیرگذار می‌کوشد به ارزش‌های طرف مقابل احترام بگذارد و به روشنی بیان کند که این اهداف پیشنهادی منطبق با عقاید اوست.
 - **روش‌های قانونی:** از راه معقول و پسندیده بیان می‌کند که این اهداف و تغییرات پیشنهادی با قوانین و سیاست‌های سازمان مرتبط است.
 - **فشار:** فرد تاثیرگذار مستقیماً از فرد می‌خواهد تا کاری را انجام دهند، حتی ممکن است از تهدید و زور استفاده نماید.
 - **همکاری:** فرد تاثیرگذار برای انجام وظایف به زیردستان کمک نموده و منابع و امکانات مورد نیاز را فراهم می‌نماید.
 - **آگاهی دادن:** فرد تاثیرگذار، اطلاعات کافی را برای اجرای تغییر پیشنهادی برای زیردستان فراهم و منافع حاصل از آن را تشریح می‌کند.
 - **مورد لطف قرار دادن:** با تحسین و تمجید از کار و مهارت‌های زیردستان، آنها را مورد لطف قرار می‌دهد.
 - **مشورت:** فرد تاثیرگذار از دیگران می‌خواهد برای انجام بهتر کار مسائل پیشنهادی خود را بیان نمایند. او نظرها را دریافت می‌نماید و محیطی را فراهم می‌نماید که دغدغه‌های خود را بیان نمایند.
 - **جاذبه شخصی:** منظور از جاذبه شخصی این است که فرد تاثیرگذار می‌کوشد از طریق ارتباط صمیمی و نزدیک بر روی فرد دوم نفوذ کند تا عملش بهبود یابد.
 - **ائتلاف:** در سازمان و نهادی که مدیر از طریق نفوذ اجتماعی کار می‌کند، کارها به صورت گروهی انجام می‌شود و افراد سازمان تشکیل ائتلاف می‌دهند.
- چنانچه روش‌ها و مهارت‌های نفوذ اجتماعی به خوبی اجرا شوند و پاسخ‌های دریافت شده نیز مثبت باشد، علاقه، تعهد و انگیزه به کار در سازمان افزایش یافته زیرا نفوذ بر نگرش، عقاید و ارزش‌ها تاثیر می‌گذارد. تعهد، انگیزه و نوآوری همه به نگرش افراد بستگی دارد. اگر فرایند نفوذ به درستی انجام شود، سبب افزایش تعهد افراد و کارکنان می‌شود. (صیادزاده و همکاران، ۱۳۸۹).

۳- مروری بر زندگانی شهید حاج قاسم سلیمانی

شهید حاج قاسم سلیمانی متولد ۲۰ اسفند سال ۱۳۳۵ در روستای کوهستانی و دورافتاده قنات ملک در شهرستان رابر از توابع استان کرمان به دنیا آمد. او بعد از انقلاب ابتدا به مهاجد برای جنگ با گروه‌های ضد انقلاب رفت و پس از آن به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. با شروع جنگ تحمیلی قاسم سلیمانی چندین گردان از سپاهیان کرمان را آموزش می‌دهد و به جبهه‌های جنوب اعزام می‌کند و کمی بعد، خود در صدر یک گروهان به سوسنگرد اعزام می‌شود تا از پیش‌روی رژیم بعث در جبهه مالکیه جلوگیری کند. سلیمانی در ۱۳۶۰ با حکم محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران، به عنوان فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله منصوب شد. اندکی بعد در زمستان سال ۶۱ به لشکر ۴۱ ثارالله ارتقا یافت که شامل نیروهایی از کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان می‌شد. وی در طول دوران دفاع مقدس، با لشکر تحت امر خود در عملیات زیادی از جمله، والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵، پ شلمچه و مرصاد حضور موثر داشت. لشکر ۴۱ ثارالله را باید جزو لشکرهای خط شکن سپاه در

سال‌های دفاع مقدس نامید که نیروهای آن نقش بسزایی در عملیات بزرگی مثل والفجر ۸، کربلای ۵ و... داشتند. جنگ که تمام شد، قاسم به کرمان برگشت. می‌توانست مثل بعضی دیگر، پوتین را دریاورد و برود پشت میز. سلیمانی اما آدم نشستن نبود. او حالا به عنوان فرمانده سپاه ثارالله به کرمان برگشته بود. آن زمان، اشرار و قاچاقچیان در مرزهای شرقی فعالیت بسیاری داشتند و امنیت را از شهرها و مناطق مرزی گرفته بودند. حاج قاسم نقشه‌هایی را برای مقابله با این گروه‌ها طراحی کرد تا امنیت به منطقه بازگردد. با پایان یافتن بحران در جنوب شرق، طالبان در افغانستان قدرت گرفت و علاوه بر مرزها، نا امنی از سمت شرق دوباره به سمت خاک ایران آمد. سردار سلیمانی هم که تجربه موفق کنترل مرزهای شرقی و مبارزه با اشرار را در کارنامه‌اش داشت، بهترین گزینه برای پایان دادن به قائله طالبان بود. سردار قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۶ از طرف آیت الله خامنه‌ای، به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. تابستان سال ۱۳۸۵، رژیم صهیونیستی به لبنان حمله کرد. حاج قاسم به عنوان فرمانده نیروی قدس خیلی زود خود را به لبنان رساند تا از آنجا فرماندهی عملیات جبهه مقاومت را به عهده داشته باشد. او در کنار عماد مغنیه و سید حسن نصرالله، روزهای بسیار سختی را گذراند، اما در نهایت موفق شد بار دیگر اسرائیل و آمریکا را شکست دهد. قاسم سلیمانی در ۴ بهمن سال ۱۳۸۹ با حکم حضرت آیت الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا با یک درجه ارتقا به درجهٔ سرلشکری نائل آمد، اما هنوز هم در افکار عمومی همه او را حاج قاسم می‌خواندند. با توطئه‌ی جدید غرب و پشتیبانی مالی کشورهایی مانند عربستان سعودی، که به شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی تکفیری اعم از داعش و جبهه النصره در منطقه انجامید، قاسم سلیمانی ماموریتی تازه یافت و آن هم مقابله با این تهدیدات در دو کشور عراق و سوریه بود. شهید سلیمانی با کمک شهیدان، همدانی و تقوی، در عراق حشد الشعبی و در سوریه «بسیج مردمی» را شکل داد و با کمک آن‌ها و هدایت و مشاوره نیروی قدس جمع شد. سپاه، طی ۶ سال، بساط تروریست‌ها در این دو کشور را تقریباً جمع کرد. سردار سلیمانی در حمله پهباد آمریکایی به فرودگاه بغداد در بامداد جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ ترور شد. در این حمله ابومهدی المهندس از فرماندهان گروه شبه نظامی عراقی حشد شعبی به همراه ۱۰ تن دیگر نیز کشته شدند. وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا اعلام کرده که دستور این حمله هوایی را دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری این کشور صادر کرده است. ویژگی‌های شخصیتی شهید قاسم سلیمانی نقش سردار سلیمانی در متحد کردن نیروهای مقاومت و مدافعین حرم مثال زنی بود. در سایه منویات رهبری عزیز و به فرماندهی متمایز سردار سلیمانی که به برخی از ویژگی‌های آن اشاره می‌شود، یک اراده ملی شکل گرفته بود که باید با استفاده از همه ابزارها، اعم از نظامی و غیرنظامی، از پاگیری و گسترش پدیده شوم داعش در منطقه جلوگیری و در ادامه آن را نابود کرد (مجیدی، ۱۳۹۹).

۴- ویژگی‌های شخصیتی سلیمانی

مهمترین موضوعی که در فرماندهی سردار سلیمانی تجلی داشت و خود را به رخ می‌کشید، توکل به پروردگار متعال و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام بود. او به خوبی می‌دانست آنکه خدا را صاحب هر امری و عالم به آن می‌داند هرگز دست نیاز به سوی دیگر مخلوق ناتوان خدا نمی‌برد؛ زیرا او مطمئن است یگانه نیروی تاثیرگذار در امور خداوند است. ایشان اعتقاد داشت که فرمانده کل قوا در سوریه، حضرت زینب (س) بود و او برای انجام امور فرماندهی از ایشان فرمان می‌گرفت. یکی از کارهای بزرگ سردار سلیمانی نیروسازی و کادرسازی بود.

او در مجموعه‌ی خودش ده‌ها و صدها سلیمانی ساخت. او بیشتر بر ایمان و اعتقادات تاکید داشت و آن را محور قرار می‌داد. سردار سلیمانی ضمن هوشمندی و رصد تحولات نظامی جبهه‌ی غربی-اسرائیلی، بدون سروصدا به راه اندازی گروه‌های شبه نظامی دست زد و امروزه این واحدها به صورت یک زنجیره درآمده‌اند. مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از مردم قم در ۱۲ دیماه ۱۳۳۲ پنج ویژگی این شهید بزرگوار را شامل موارد زیر دانستند:

- ۱- او را اهل تدبیر، فکر، محاسبه و دقت در اندیشه دانستند. ۲- عملگرایی ایشان، که در تدبیر متوقف نمی‌ماندند و اهل اقدام بودند. ۳- شجاعت ایشان، که اقدامات ایشان دارای ویژگی شجاعت بود. ۴- اخلاص ایشان، که تدبیر، عمل و شجاعت او تماما همراه با اخلاص بود. ۵- ویژگی پنجم این بود که تمام این چهار عامل قبلی در حوزه انقلاب و انقلابی‌گری خلاصه می‌شد (۱۳۹۸، ۱۰، ۲۴).

۵- مکتب شهید سلیمانی

هر انسان آگاه و منصفی فارغ از اندیشه سیاسی و اجتماعی خود گواهی می‌دهد که تعبیر "مکتب شهید سلیمانی" به حق شایسته سردار بزرگ اسلام سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی است. واقعیت این است که هرگاه انسان از مدار فردیت خارج شود و سعه وجودی او به اندازه‌ای گسترش یابد که بر نفوس انسان‌ها در مسیر کمال تأثیر قابل توجه بگذارد، به یک مکتب تبدیل شده است (رضائیان، ۱۳۷۷، ۲۳). مکتب شهید سلیمانی با این کلمه‌ی طیبه هر جا به صورت بذری کاشته شود تبدیل به یک درخت تناوری خواهد شد که شاخ و برگ آن در آسمان دل‌های مردم و قلوب انسان‌ها گسترش پیدا می‌کند و آسمان دل‌ها و آسمان قلوب دل‌های بشری را فتح می‌کند. مکتب شهید سلیمانی با این کلمه‌ی طیبه آسمانی از زمین برمی‌خیزد و از زمین شروع می‌شود و آسمان‌ها را فتح می‌کند. چون هم جنبه معنوی دارد، هم جنبه عقلانی دارد و هم جنبه عاطفی دارد (تولایی، ۱۳۹۹).

فرماندهی سردار سلیمانی در صحنه نبرد و یا به عبارت دیگر فرماندهی از نزدیک بود. سردار سلیمانی در سوریه مدام در صحنه‌های نبرد و درگیری حضور داشت. در هیچ یک از ارتش‌های دنیا نداریم که بالاترین رده فرماندهی در جلوترین نقطه نبرد آن هم در شرایط سخت، حضور پیدا کند و نیروهای خودی را برای تسلط بر دشمن فرماندهی کند. تمامی سلیقه‌ها، فرهنگ‌ها، ادبیات و حتی عقیده‌ها در بین نیروهای سردار سلیمانی حضور داشتند. در میان نیروهای تحت امر حاج قاسم شیعیان، اهل تسنن، مسیحیان و... حضور داشتند. او همه آن‌ها را در یک قالب و برای یک هدف مشترک در شرایط سخت به صحنه می‌آورد، سازماندهی و مدیریت می‌کرد. فرماندهی بر قلب نیروها، از ویژگی فرماندهی سردار سلیمانی است. نه تنها ایرانی‌ها که ملت‌های مسلمان منطقه به شدت به سردار سلیمانی عشق می‌ورزند و او بر قلب‌ها فرماندهی می‌کند. استقامت، انتخاب سخت‌ترین مسیر است. حاج قاسم، خود را سپر قرار داده بود تا مردمانش سر راحت بر بالین بگذارند. حاج قاسم معنای استقامت را در وجوه مختلف به منصف ظهور رساند و تا پای جان بر عهده‌ی که بسته بود محکم و راسخ ایستاد و هیچگاه نه کم آورد و نه کم‌فروشی کرد.

مسئولیت اجتماعی در مکتب شهید سلیمانی از عمل به تکلیف شروع می‌شود. یعنی مکتب شهید سلیمانی عمل به تکلیف الهی است. مقام معظم رهبری فرمودند: سال‌های اول انقلاب از امام سؤال کردم چه طور شد شما این جمهوری اسلامی به فکرتان آمد؟ آقا فرمودند حضرت امام خمینی (ره) یک تأملی کردند و گفتند ما هر جا با مشکلاتی برخورد

می‌کردیم نگاه می‌کردیم می‌دیدیم که تکلیف الهی‌مان چیست؟ به تکلیف الهی خود عمل کردیم شد جمهوری اسلامی. پس عمل به تکلیف، تولید دانش می‌کند، تولید فلسفه می‌کند. عمل به تکلیف الهی خودش مکتب ساز و انسان ساز است، تولید اندیشه می‌کند، تولید استراتژی می‌کند و تولید راهبرد می‌کند (۱۴، ۳، ۱۳۹۵).

بی شک یکی از دلایل حضور گسترده حاج قاسم سلیمانی در جغرافیای سیاسی منطقه، اعتقاد راسخ ایشان به عمل به دستورات اجتماعی قرآن کریم، اسلام و پیامبر اکرم (ص) و در این راستا عمل به مسئولیت اجتماعی اسلامی خویش در حمایت از امت اسلامی و تحقق و ایجاد بیداری اسلامی در سراسر منطقه بود. با نگاهی به وضعیت منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و طرح‌های استکبار جهانی و در رأس آن‌ها آمریکای جنایتکار و صهیونیسم بین‌الملل و خواب‌های آشفته‌ای که آن‌ها برای ملت‌های مظلوم فلسطین، سوریه، یمن، بحرین و... دیده اند، آیا به راستی، بدون عمل به تکلیف و مسئولیت اجتماعی اسلامی و اعتقاد به این توصیه راهبردی می‌توان نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و امت اسلامی را خنثی کرد و در پی تحقق بیداری اسلامی بود. حاج قاسم سلیمانی در راستای عمل به مسئولیت اجتماعی اسلامی خود و در جهت تحقق بیداری اسلامی ۴۱ سال تمام با اخلاص، تقوا، مردم‌داری و ولایت‌مداری بی‌نظیر خویش مجاهدانه در راه رهایی ملت‌های مظلوم منطقه از یوق قدرت‌های ستمگر و کمک به فریاد تظلم خواهی آنان کوشید. آنچه باعث شد تا این مجاهد خستگی‌ناپذیر به دنبال عمل به مسئولیت اجتماعی و اسلامی خویش باشد، ویژگی‌های کم نظیر یا بی نظیر شخصیتی ایشان است.

۶- مدیریت جهادی در اندیشه سلیمانی

امروزه یکی از چالش‌ها و مسائل اساسی سازمان‌ها به‌ویژه در عرصه بین‌المللی این است که با عنایت به پیچیدگی و چند بعدی بودن نیازهای کارکنان از یک سو و گوناگونی رو به تزاید ویژگی‌های فرهنگی جوامع از سوی دیگر، مدیران باید روی چه عناصر کلیدی یا ارزش‌های محوری متمرکز شوند تا در تحقق اهداف سازمانی توفیق حاصل شود.

مدیریت جهادی مدیریتی است که در وضعیت کمبود و وجود موانع گوناگون، با احساس تکلیف انقلابی بتواند کارآمدی خود را ادامه دهد و در حل معضلات کنونی جامعه توفیق داشته باشد. مدیریت جهادی بر نوعی بینش مبتنی است که می‌تواند بسیاری از معادلات حاکم بر مدیریت اجرایی کشور را تغییر دهد و با توسل به الگوسازی، گره گشای بسیاری از مشکلات مدیریتی کشور باشد (وحیدی، رستگار و ابراهیمی، ۱۳۹۸، ۱۹ - ۱۵). وصیت‌نامه الهی سیاسی شهید سلیمانی را می‌توان سند برجسته‌ای از تفکر راهبردی در مدیریت جهادی دانست.

در مکتب شهید سلیمانی تربیت مدیران از جهاد با نفس آغاز می‌شود. مکتب شهید سلیمانی می‌گوید اگر کسی توانست خود را مدیریت کند، بعد می‌تواند همه جهان را مدیریت کند. اگر کسی توانست خود را کنترل کند و خود را بسازد، بعد می‌تواند دیگران را هم بسازد. اگر کسی توانست خود را تربیت کند، بعد دیگران را هم می‌تواند تربیت کند. بنابراین الگوی تربیت مدیران جهادی از خود مدیران شروع می‌شود و شروع آن هم از جهاد با نفس است. آقای پتر دراکر^{۱۰} که در دنیا اصطلاحاً پدر علم مدیریت به او می‌گویند، در کتابش می‌نویسد اگر کسی بتواند زمان را مدیریت کند می‌تواند دیگران را مدیریت کند. اما در مکتب شهید سلیمانی گفته می‌شود؛ هرکسی بتواند خود را مدیریت کند

^{۱۰} Peter Drucker

(یعنی جهاد با نفس)، می‌تواند دیگران را مدیریت کند. ولی این جهاد با نفس در میدان عمل صورت می‌گیرد. در اتاق‌های در بسته یا در بیابان‌ها و دور از مردم و دور از حوادث و دور از سختی‌ها انجام نمی‌شود. بنابراین جهاد با نفس جدای از جهاد با دشمن نیست. در ترکیب این دو جهاد باهم دیگر تربیت مدیران صورت می‌گیرد. به همین دلیل ما می‌گوییم تربیت مدیران جهادی بدون مدیریت جهادی که از خود آدم‌ها شروع می‌شود و از مدیریت خود آدم‌ها بر خودشان ایجاد می‌شود، امکان‌پذیر نیست. لذا مدیران جهادی محصول مدیریت جهادی هستند (رضاییان، ۱۳۷۷: ۲). با همین رویکرد و نگاه است که حاج قاسم سلیمانی و جمهوری اسلامی ایران، دفاع از کشورهای مظلوم منطقه از جمله لبنان، یمن، سوریه و در رأس آنان فلسطین را وظیفه ذاتی و همیشگی خود می‌داند و قاطعانه و محکم پای تحقق آرمان‌ها نه به صرف صدور یک یا چند بیانیه، بلکه در عمل ایستاده است تا از طریق عمل به مسئولیت اجتماعی و اعمال مدیریت جهادی، زمینه بالندگی جبهه مقاومت میسر گردد و آماده مقابله با دشمنان قسم خورده اسلام شوند، تا بدین وسیله ملل اسلامی از زیر یوق حاکمان ستمگر و سازشکار و مفسد خود رهایی یابند تا زمینه‌ی شکوفایی ممالک اسلامی فراهم و محقق شود. مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان، هرگز خدمات سردار سرافراز و آسمانی، شهید حاج قاسم سلیمانی را در به وجود آوردن اتحاد مردم مسلمان منطقه و پیروزی بر دشمنان از جمله داعش را فراموش نکرده و راهش را الگوی خود برای هوشیاری و مقابله با دشمنان قرار خواهند داد. شهادت جانشوز سردار دل‌ها خود نیز به عامل و تبدیل به موجی از بیداری جوامع و ملت‌ها در سراسر منطقه شد و در آینده‌ی نه چندان دور تأثیر جهانی آن را نیز شاهد خواهیم بود که همگی این کنش‌ها و تحقق و تکامل آن از اعتقاد و مبانی ناب در اندیشه‌ی شهید سلیمانی فوران نمود و به زودی عالمگیر خواهد شد. چند ویژگی مدیریت جهادی در حاج قاسم سلیمانی را در زیر توضیح خواهیم داد.

۱- انگیزه الهی: ایشان باانگیزه‌ی عمل به مسئولیت اجتماعی اسلامی در راه انجام فرامین الهی و حمایت از مظلومان منطقه و ستم‌دیدگان را با توکل به خداوند متعال همراه با معنویت و اخلاص کم نظیر و شجاعت و تدبیر در امور را، همواره سرلوحه اعمال و رفتار خویش قرار داده بود.

۲- پیروی از عامل وحدت بخش و ولی زمان: حاج قاسم سلیمانی در حقیقت مجری دیدگاه‌ها و منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خط پایداری و مقاومت در برابر استکبار جهانی، آمریکای جنایتکار، رژیم غاصب صهیونیستی و ارتجاع منطقه و در یک کلام دشمنان اسلام بود. و حتی در عراق گروه‌های مقاومت عراقی را زیر پرچم مرجعیت شیعه آیت‌الله سیستانی ساماندهی و راهبری نمودند.

۳- اعتقاد به اتحاد و همبستگی بین مسلمانان: ایشان تلاش‌های ویژه‌ای برای ایجاد وحدت بین مسلمان سنی و شیعه و حتی همراهی با پیروان سایر آیین‌هایی که اهل کتاب هستند و با مسلمانان زندگی می‌کنند داشتند و عملکرد و رفتار ایشان در نبردهای جبهه مقاومت در سوریه و عراق و نجات مسلمانان سنی، کرد و ایزدی‌ها و مسیحیان گواه بر این مدعاست.

۴- زنده نگهداشتن روح اعتماد به نفس، امید و خودباوری در ملت‌های منطقه استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان: ایشان اعتقاد داشتند که انتقال مفاهیم و مبانی فرهنگ دفاع مقدس و استکبارستیزی، موجب خنثی شدن فتنه‌ها و دسیسه‌های دشمنان در حق امت اسلامی و ملت‌های ستم‌دیده‌ی سایر نقاط جهان خواهد شد (مجیدی، ۱۳۹۹).

۷- نفوذ اجتماعی در مدیریت شهید سلیمانی

امکان نفوذ اجتماعی در مکتب شهید سلیمانی بر منابع نفوذ مبتنی است که قدرت مرجعیت اجتماعی، اعتبار، جذابیت آن را ایجاد می‌نماید که در ادامه هر یک تشریح می‌گردد.

قدرت مرجعیت اجتماعی: لازمه‌ی نفوذ اجتماعی، وجود منابع قدرتی در رهبر است که امکان نفوذ را محقق می‌کند. منابع قدرت سردار نه از جایگاه رسمی‌اش نشأت می‌گرفت و نه از قدرت تنبیه و پاداش! در بین منابع نفوذ در مکتب شهید سلیمانی آنچه به او قدرت می‌بخشید، قدرت مرجعیت اجتماعی است که عمدتاً به شاکله‌ی شخصیتی او برمی‌گشت که موجب می‌شد قاسم سلیمانی محل رجوع دیگران قرار گیرد. در تبیین قدرت اجتماعی بیان شده است این قدرت اکتسابی است و به میزان رشد یافتگی شخصیت فرد بستگی دارد و از این دیدگاه فرد دارای اعتبار اجتماعی می‌شود و نفوذی که از این منبع ناشی می‌شود، ماندگار و عمیق است، اما قدرت مرجعیت سردار سلیمانی از جنس نظریه کارزمایی نبود.

- قدرت مرجعیت اجتماعی و منحصر به فرد قاسم سلیمانی، هرچند به شاکله‌ی شخصیتی او وابسته است، منبع قدرتش الهی و نگاهش به آحاد مردم است و خود را بنده‌ی ناچیز در برابر خداوند متعال و سربازی برای ولایت و خادمی برای آحاد مردم می‌بیند. ویژگی دیگر حاج قاسم جهان‌نگری و دید وسیع ایشان بود. "من شهادت می‌دهم حاج قاسم حتی فقط به مسلمانان فکر نمی‌کرد به نجات بشریت نگاه می‌کرد. حاج قاسم حتی تمایل به کشتن سربازان دشمن نداشت. حاج قاسم غصه می‌خورد که باید داعشی فریب‌خورده‌ی سرباز استکبار را بکشد. می‌گفت «چرا دشمن از شما مسلمانان توانسته خوار بسازد.» هرکجا مظلومی بود احساس تکلیف می‌کرد که یاور او باشد. هرکجا ظالمی بود احساس می‌کرد باید حضور داشته باشد. او مردی نستوه و خستگی‌ناپذیر بود، از هیچ مشکلی نهراسید و هیچ‌گاه دچار رخوت و سستی و رکود نشد، به غایت ساعی و تلاش‌گر بود و به آسایش خویش نمی‌اندیشید. علیرغم اینکه در چند عملیات مجروح شد اما همچنان بر بازگشت به جبهه پای می‌فشرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به خطوط مقدم عملیاتی باز می‌گشت." (نواب، ۱۳۹۹). برای کسی که عمر پر برکت خویش را در جنگ و جهاد گذرانده باشد شاید توجیه در پیش گرفتن یک زندگی آرام و بی دغدغه کاملاً پذیرفتنی باشد. اما روح بی‌قرار او از راحتی و آسایش گریزان بود و او می‌خواست تا پایان عمر و تا آخرین نفس سخت‌کوشانه و مجاهدانه به پیش رود. تحلیل‌گران روان‌شناسی و شخصیت‌شناسان، تسلط به فن خطابه را به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیت‌های فوق‌العاده تأثیرگذار (کارزماتیک) عنوان می‌کنند. او این چنین بود و وقتی سخن می‌گفت بیانش آمیزه‌ای از عقلانیت و احساس بود و چون از دل بر می‌خواست در نفوس انسان‌ها عمیقاً تأثیر می‌نهاد. یک فرمانده نظامی عملیاتی که دوره دانشگاه علوم سیاسی هم نگذرانده است اما رؤسای جمهور و شخصیت‌های بزرگ را متقاعد می‌کند. چه کسی روسیه را با تفکری که آقای پوتین دارد و با توجه به شخصیتی که برای خودش قائل است و ترامپ را آدم حساب نمی‌کند، چه چیزی او را متقاعد می‌کند تا این چنین در سوریه بیاید و نقش آفرینی کند. چه کسی این کار را می‌کند با کدام استدلال و منطق؟ چه عاملی سبب می‌شود که شخصیت بزرگ ریاست جمهوری‌ها آرزوی دیدار با حاج قاسم را داشته باشند؟ آمریکایی‌ها می‌گویند دشمن حاج قاسم هستیم اما در برابر منطق او متواضع هستیم.

- ویژگی دیگر که بسیار مهم است تکلیف‌گرایی حاج قاسم بود. حاج قاسم همیشه تلاش می‌کرد در هر زمان، ساعت، موقعیت ببیند خواسته خدا و تکلیف الهی خدا در آن مکان و زمان از او چیست؟ یعنی تکلیف شناس بودند. حاج قاسم

باکی نداشت و تکلیف را انجام می‌داد و نتیجه هر چه رخ دهد. باور داشتند که انسان وقتی در مسیر تکلیف قرار بگیرد بهترین نتیجه‌ها را خدا می‌دهد نه اینکه حاج قاسم به نتیجه توجه نداشت بلکه می‌گفت تکلیف با من است و نتیجه با خدا است. و خدا عالی‌ترین نتیجه را هم به او داد. راه دستیابی به تکلیف ولایت است. حاج قاسم حقیقت تقوی را در عمل به تکلیف، وظیفه شرعی و همه ابعاد می‌دید. حاج قاسم هرگز در زندگی نسبت به گذشته پشیمانی و شک نمی‌بینید. حاج قاسم هیچ کجا گرفتار تردید نشد.

– محبوبیت سردار سرافراز شهید حاج قاسم سلیمانی نیز در اخلاص اوست. رهبر معظم انقلاب بارها او را با صفت «اخلاص» معرفی کرده‌اند. ایشان در دیدار با خانواده این شهید با عظمت فرمودند: می‌بینید مردم چه کار دارند می‌کنند برای حاج قاسم؛ این برای شما تسلاست... بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است. اگر اخلاص نباشد، این جور دل‌های مردم متوجه نمی‌شود. دل‌ها دست خداست؛ اینکه دل‌ها این جور همه متوجه می‌شوند، نشان دهنده‌ی این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت (خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

– سردار بزرگ اسلام، از عمق جان، شیفته اهل بیت عصمت و طهارت بود. اعتقاد و ارادت و عشق به خاندان رسالت، در اعماق وجودش رسوخ نموده بود. پیوسته متوسل به آن اختران تابناک آسمان امامت و ولایت بود. هر گاه به زیارت مضجع شریف یکی از معصومین: تشریف می‌یافت، سُکر و نشئه حلاوت حضور در جوار مرقد مطهرشان، روح آسمانی‌اش را جلا می‌بخشید و بهجت و سروری تام و تمام جان شیفته‌اش را فرا می‌گرفت. مجلس عزای حسینی را بر پا می‌کرد و خدمت در روضه‌ی سیدالشهدا علیه‌السلام را برای خود، افتخاری بس بزرگ می‌دانست. برای برگزاری جلسات اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام ویژه‌ای داشت؛ به گونه‌ای که شخصاً در این جلسات حضور پیدا می‌کرد، مقابل درب ورودی بیت‌الزهرها علیها السلام می‌ایستاد و به عزاداران خوش آمد می‌گفت. ایشان درباره‌ی اهمیت این مجالس می‌فرمود:

مجلس حضرت زهرا علیها السلام... باید به آن دقت کرد، باید احترام کرد، باید توجه کرد... همه اصرار من در برگزاری این مجلس، این است که مجلس عبادت و عبودیت باشد. به همین دلیل باید به نماز اول وقت در این جلسات توجه شود، به همه موضوعاتی که در آن گفته می‌شود، توجه شود... اینجا نشستید، ذکر می‌گویید. همان‌طور که نشستید و آرام آرام گوش می‌دهید، ذکر را نذر کنید؛ برای یک چیزی، برای گرفتاری خودتان، اما حرف‌هایی که مربوط به جلسه عزادار حضرت زهرا علیها السلام نیست، مربوط به مجلس و جلسه عبادت نیست، نباید در این جلسه گفته شود... این جلسه، جلسه گوش دادن است... جلسه توجه کردن، تفکر کردن و ذکر گفتن است (تسنیم، ۱۳۹۸).

– سردار بزرگ اسلام، به غایت ولایت‌مدار بود که به رهبر و مقتدایش عشق می‌ورزید. نگاه او به عنوان یک افسر رشید لشکر اسلام به ولی امر مسلمین و فرماندهی معظم کل قوا، نه فقط از حیث رعایت سلسله مراتب نظامی، بلکه فراتر بود. از جنبه اعتقادی نیز سخن او، نوشته او، نگاه او، تصمیمات، فعالیت‌ها و اعمال او را تعقیب‌کننده‌ی خط ولایت می‌دانست. از همین رو بود که می‌فرمود: آدم‌ها می‌آیند و می‌روند. قاسم سلیمانی می‌رود، قاسم سلیمانی دیگری می‌آید. احزاب و جریان‌ها اصل نیستند. اصول را توجه کنیم. اگر می‌خواهیم جامعه ما به وحدت حقیقی برسد، باید جامعه را در همه‌ی سطوح به اصول متوجه کنیم... اصل اساسی نگاه دارنده‌ی این نظام، ولی فقیه است. این برای ما مثل قرآن ناطق است. با جان مان، با خون مان، در همه‌ی آحاد از آن دفاع کنیم. جان‌مان را می‌دهیم و هزاران بار می‌دهیم (اکبری، دوافع، ۱۳۹۸). حاج قاسم در وصیت‌نامه‌ی خویش نیز می‌فرماید: «از اصول مراقبت

کنید. اصول یعنی ولیّ فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدسات بدانید (تسنیم، ۱۳۹۸).

رئیس مجلس شورای اسلامی در توصیف ویژگی‌های شهید سلیمانی بیان می‌دارد: یکی از نکاتی که مسئولان باید نسبت به منش آن شهید بزرگوار مدنظر داشته باشند، نحوه‌ی حکمرانی، فرماندهی و مدیریت وی برای حل مشکلات و مسائل است. استراحت و کار کردن حاج قاسم وقت و زمان نداشت و امروز کمتر کسی را می‌توان این‌طور دید که وقت، فکر و روحش برای مردم و انقلاب بتپد. این موضوع در حالی است که این روزها همه‌ی ما مشغله‌های مختلف شخصی داریم و اگر احياناً فرصتی پیش بیاید به مردم هم فکر می‌کنیم، ولی حاج قاسم این‌طور نبود و در امور مختلف برای حل مشکلات وارد می‌شد تا کارهای مردم را پیگیری کند. قالیباف با تأکید بر این که حاج قاسم برای انقلاب هم خون داد و هم خون دل خورد گفت: او از حق خود می‌گذشت تا کار مردم حل شود، وی ۴۰ سال مجاهدت کرد که نشان دهنده‌ی روش مدیریتی و کاری آن شهید بزرگوار است و به ندرت می‌توان فردی را دید که زندگی اش این‌طور باشد. وی ادامه داد: حاج قاسم توجهی به مسائل سیاسی و حزبی نمی‌کرد و در تصمیم‌گیری‌هایش عقل و عدل دو عنصر موثر بود؛ بر این اساس نگاه نمی‌کرد که چه کسی حرفی را می‌زند، بلکه اگر آن حرف را مطابق عقل و عدل می‌یافت، آن را اجرا می‌کرد و پای آن می‌ایستاد و این ویژگی مکتب و فرهنگ حاج قاسم است. وی با بیان این که رابطه‌ی حاج قاسم با مردم تنظیم شده بود، چون رابطه اش را با خدا تنظیم کرده بود تصریح کرد: وقتی بناست کسی در اوج عمر خودش، در اوج اخلاص و تلاش، کار کند، خدا هم در اوج منزلت و عزت او را به نزد خود می‌برد. گاهی آن قدر فشار بر روی حاج قاسم می‌آمد که می‌گفت اگر گلوله یک قاچاقچی به من بخورد یا یک ماشین به من بزند قانع هستم؛ اما عزت و اخلاص او سبب شد که به دستور شقی ترین آدم به شهادت برسد و شهادتش هم به گونه‌ای باشد که هر آنچه از چگونگی شهادت اصحاب امام حسین در کربلا شنیده ایم مصداقش را در حاج قاسم می‌بینیم؛ در حقیقت وی هر چه داشت به بهترین شکل فدا کرد و خداوند نیز به او عزت داد. قالیباف با بیان این که حاج قاسم تسلیم اسلام سیاسی امام (ره) و عقل و عدل بود تأکید کرد: انسان باید اول شهید باشد تا شهید شود، بنابراین با چنین روحیه، فرهنگ و منشی باید امور مختلف را دنبال کنیم و پیش ببریم و طوری تلاش کنیم که ان شاءالله هر کدام یک حاج قاسم باشیم (قالیباف، ۱۴۰۰).

حاج قاسم تربیت‌شده‌ی مکتبی است که انسان‌های یک‌بعدی را کامل نمی‌داند. می‌گوید که عالم تنها، عابد تنها، سیاست‌مدار تنها کامل نیستند. حاج قاسم تجسم یک انسان این چنینی بود نه معنویتش او را از سیاستش بازمی‌داشت و نه سیاستش او را از اخلاق و تقوا. شاید یک سال قبل در یک جلسه‌ای در خدمت ایشان نشسته بودم، دیدم خیلی ناراحت به نظر می‌رسد گفتم «حاج قاسم چه شده؟» گفت: غصّه می‌خورم که ما چرا باید در سیاست، اخلاق یا دامن برویم. می‌گفت «مگر این تقوا و اخلاق برای کجا است؟ چرا وقتی وارد سیاست می‌شویم یا دامن می‌رود که اهل تقوا باشیم. چرا وقتی وارد تقوا می‌شویم سیاست را یا دامن می‌رود.» حاج قاسم در میدان جنگ مجاهدی بی‌نظیر بود در میدان ناله، آن‌هایی که دیده‌اند می‌دانند یک عابد و ناله‌کننده بی‌نظیر بود. نماز شب خواندن‌های او، گریه‌های او، زیارت‌های او و روح لطیف او بی‌نظیر بود. حاج قاسم در برابر نتانیاهو و ترامپ می‌گوید «من برای شما بس هستم.» اما در برابر بچه یتیم و بچه شهید چگونه است. افتخار می‌کند که او را روی دوش خودش سوار می‌کند.

حاج قاسم یک چیزی را در مکتب اسلام یاد گرفته بود که خوب است همه یاد بگیریم. خدا و مردم را مقابل هم نمی‌دید، باور داشت که برجسته‌ترین عبادتی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند خدمت به مردم است. حاج قاسم به

معنی واقعی و نه شعاری و تعارف، دغدغه‌ی مردم را داشت. دلواپس و عاشق مردم بود. حاج قاسم خدمت به بندگان خدا را قوی‌ترین ابزار تقرّب الی‌الله می‌دید و عمرش را برای این کار هزینه می‌کرد. فشارهایی که مردم می‌بینند خیلی او را رنج می‌داد، مخصوصاً که معتقد بود که این فشارها قابل اصلاح است. غصه می‌خورد که چرا بعضی از مدیران و مسئولین یا نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند این مشکلات را رفع کنند. هر جا که می‌توانست وارد می‌شد. یک‌بار به او عرض کردم حاج قاسم شما نسبت به بعضی از مدیران این‌همه تواضع نشان می‌دهید چرا این کار را می‌کنید این سزاوار نیست. گفت «من برای رفع مشکلات مردم دست هرکسی را می‌بوسم». حاج قاسم یک‌تکه کلامی داشت که می‌گفت «دست شما را می‌بوسم». من به ایشان گفتم «بعضی از افراد شایستگی این را ندارند که شما این جمله را به ایشان بگویید». گفت «برای مردم دست هرکسی را می‌بوسم». و می‌گفت «اگر دست‌بوسی من سبب شود که مسئولین به این مردم خدمت کنند باکی از این کار ندارم».

– استکبارستیزی، برخاسته از ویژگی مخالفت اسلام با هر گونه ظلم و ستم علیه دیگران و نیز ستم‌پذیری است. شهید حاج قاسم سلیمانی نه تنها پرچمدار و نماد مبارزه با استکبار جهانی، بلکه یک تفکر استکبارستیزی بود. او شاگرد ممتاز مکتب روح الله بود که در مبارزه با استکبار، مرز نمی‌شناخت، از دفاع مقدس تا جنگ ۳۳ روزه در لبنان و جنگ ۴۸ ساعته در نوار غزه، برایش میدان مبارزه با ظلم و استکبار بود. وجود و حضورش در صحنه‌های مبارزه با استکبار جهانی و ارتجاع عربی، همه سرمایه‌گذاری‌ها و توطئه‌ها علیه دنیای اسلام را خنثی می‌کرد. هنر او تبدیل «تهدید» به «فرصت» بود. در شاهکاری بی‌نظیر، پروژه خطرناک «دولت اسلامی عراق و شام (داعش)» را نابود و آن را به فرصتی برای اتحاد امت اسلامی تبدیل کرد. در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، هشت روزه، سه روزه و... با طراحی‌های هوشمندانه و حمایت فکری و میدانی، دشمن صهیونیستی را به تسلیم در برابر رزمندگان فلسطینی و لبنانی وادار کرد، هسته مقاومت را در کشورهای سوریه و عراق بنیان گذاشت و با سازماندهی، آموزش و ایجاد اتحاد و انسجام میان نیروهای رزمنده در برخی کشورهای اسلامی، روحیه خودباوری را به رزمندگان مسلمان تزریق کرد و آنان را به میدان‌های مبارزه با استکبار و صهیونیسم و سلفی‌گری کشاند (حوزه، ۱۳۹۸). علی صوفان، مأمور سابق FBI در گزارشی مفصل درباره شهید حاج قاسم سلیمانی، اعترافات قابل توجهی دارد. او درباره شیوه مبارزه شهید سلیمانی با استکبار و تضعیف روحیه آمریکایی‌ها می‌نویسد: اوایل سال ۲۰۰۸، سلیمانی [از طریق ارسال پیامی به گوشی همراه شخصی جلال طالبانی] پیامی آمرانه خطاب به ژنرال «دیوید پترائوس» [فرمانده ائتلاف تحت رهبری آمریکا و] عالی رتبه ترین مقام وقت آمریکا در عراق، داد و نوشت: «ژنرال پترائوس عزیز! بهتر است بدانید که من، قاسم سلیمانی، سیاست ایران درباره عراق، سوریه، لبنان، غزه و افغانستان را کنترل می‌کنم و واقعیت این است که سفیر [ایران] در بغداد، یکی از اعضای نیروی قدس است. فردی که جایگزین او خواهد شد هم عضو نیروی قدس است» (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۷).

اعتبار: اعتبار را میزان باور مخاطب به سخنان و رفتارهای رهبر توصیف کرده‌اند. این باور به صورت ویژه به تخصص‌های بی‌معنی تسلط بر موضوعات و متخصص بودن رهبر و اعتماد به معنای صادق و قابل قبول بودن رهبر بستگی دارد. در سبک رهبری شهید سلیمانی مولفه‌های منحصر به فردی وجود دارد که موجب می‌شد، آنچه او بر زبان می‌آورد، بر دل‌ها بنشیند تا آنجا که ملقب به سردار دل‌ها شد. این اعتبار در درجه‌ی اول به اخلاص قاسم سلیمانی مرتبط است و در ادامه مهم‌ترین مولفه‌ی شخصیتی و رفتاری و مدیریتی او توصیف می‌شود که موجب اعتبار بخشی و باور مخاطب به بیان و رفتار او می‌شد.

– مهم‌ترین راز محبوبیت سردار سلیمانی، اخلاص اوست. اولین ویژگی که بسیار مهم بود اخلاص ایشان بود، هر کس که به دنبال نشان دادن خودش نباشد و به دنبال نشان دادن خدا باشد، خدا متکفل این می‌شود که او را روی آنتن ببرد، و او را الگو می‌کند. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: با بیش از سی و چهار پنج سال آشنایی که بعضی زمان‌ها خیلی نزدیک به ایشان بودم، شهادت می‌دهم حاج قاسم مجاهدت می‌کرد برای گمنامی نه اینکه تلاش نمی‌کرد که خودش را نشان دهد مجاهدت می‌کرد برای گمنامی. اخلاص حاج قاسم به این معنی که در حرکات و سکنات و صحنه‌های زندگی‌اش اصلاً خودش را نمی‌دید که خیلی کار سختی است. اصلاً به دنبال معرفی خودش نبود. همیشه به دنبال این بود که خدا را نشان بدهد. ایشان در دیدار با خانواده این شهید با عظمت فرمودند: می‌بینید مردم چه کار دارند می‌کنند برای حاج قاسم؛ این برای شما تسلّاست... بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است. اگر اخلاص نباشد، این جور دل‌های مردم متوجّه نمی‌شود. دل‌ها دست خداست؛ اینکه دل‌ها این جور همه متوجّه می‌شوند، نشان دهنده‌ی این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت (خامنه‌ای، ۱۳۹۸). درجه‌ی اخلاص او تا آنجاست که وقتی دخترش برای حل مشکلی که در دانشگاه برایش ایجاد شده بود، با ایشان مشورت می‌کند، چنین جواب می‌شوند: «مبادا خودت را در دانشگاه معرفی کنی که من، دختر سردار سلیمانی هستم» (تابناک، ۱۳۹۸).

– تواضع و فروتنی بسیاری که در مقابل مردم داشت، برگرفته از اخلاص بی‌پایانش بود. این تواضع و فروتنی تا آنجا بود که حتی دشمنان نیز به آن معترف بودند؛ چنان‌که علی صوفان، مأمور ویژه سابق FBI درباره تواضع و فروتنی او می‌نویسد: در حالت عادی، قدرتمندترین سرباز خاورمیانه، از تند و خشن سخن گفتن پرهیز می‌کند. مانع انجام هر اقدامی برای ستایش قهرمانی‌هایش می‌شود؛ به عنوان مثال اجازه نمی‌دهد طرفدارانش دستش را بوسند. [این تواضع و فروتنی تا آنجاست] که یکی از روزنامه نگاران آمریکایی، او را تا سر حد ریاکاری، متواضع می‌داند (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۷). تواضع و فروتنی حاج قاسم بارزترین خصوصیت اخلاقی ایشان بود به طوری که رفتار این شهید عزیز به جایگاه اجتماعی افراد ربطی نداشت. همان رفتاری که با مردم عادی داشت با مسئولان نیز همان‌گونه رفتار می‌کرد. همین امر سبب شد ایشان به چنین درجه‌ای نایل و محبوب قلب‌ها شود.

سردار حبیب شهنشاهی در آئین گرامیداشت دومین سالگرد شهادت سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، که در حسینیه ثارالله ارومیه برگزار شد، با اشاره به تواضع و فروتنی غیرقابل توصیف حاج قاسم سلیمانی به عنوان یک فرماندهی نظامی ممتاز، تاکید کرد: سردار سلیمانی فرماندهی بود که نمی‌خواست دیده شود، اما چون برای خدا قدم بر می‌داشت خدا خواست که آوازه او در کشور، منطقه و جهان بیپسند.

جدابیت: مردم معمولاً با اشخاصی تعامل می‌کنند که از نظر آن‌ها جذاب و قابل تحسین و به همین دلیل دارای قدرتی هستند که به آن‌ها قدرت ارجاعی می‌گویند. جذابیت می‌تواند ریشه‌ی درونی و بیرونی داشته باشد. در مورد سردار دل‌ها، آنچه او را بیشتر جذاب می‌کرد، چهره‌ی نافذ و نورانی و بیان معنوی ایشان بود. سردار بزرگ اسلام، شهید حاج قاسم سلیمانی رزمنده‌ای بود که حتی لحظه‌ای برای دفاع از مظلومان و نبرد با تکفیری‌ها و ایادی تحجر از پا ننشست. شخصیت کاریزماتیک وی در جنگ، از او نابه‌ای کم‌نظیر برای برنامه‌ریزی در بر هم کوبیدن دشمنان در میادین نبرد ساخته بود که با آوازه‌ای که در کشور و در رسانه‌های دنیا داشت، هیچ‌گاه دچار غرور و تکبر نشد؛ بلکه با کمال تواضع و فروتنی در میان هم‌زمانش حضور پیدا می‌کرد و در تمام صحنه‌های اجتماعی، بدون اندک احساس غروری حضور می‌یافت.

– حسین امیرعبداللهیان، معاون وقت عربی آفریقایی وزارت امور خارجه، درباره سیره حاج قاسم در دفاع از مظلوم می‌گوید؛ زمانی که داعش می‌رفت تا اربیل را به محاصره‌ی کامل خود در آورد، سرکنسول ایران در اربیل با من تماس گرفت و گفت: همه‌ی مردم و حتی خاندان بارزانی اربیل را ترک کرده‌اند. در آن شرایط بحرانی، مسعود بارزانی رهبر اقلیم کردستان عراق بیش از پنج مرتبه از نیروهای آمریکایی و ائتلاف ضد داعش درخواست کمک کرد، اما آمریکایی‌ها به این درخواست‌های بارزانی هیچ پاسخی ندادند. در این شرایط از جمهوری اسلامی ایران درخواست کمک کرد و سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی در راستای اهداف سیاسی جمهوری اسلامی، با یک پرواز وارد فرودگاه اربیل شد تا مستقیماً عملیات شکست محاصره اربیل را فرماندهی کند. شهید سلیمانی با ۷۰ نفر از نیروهایش، اربیل را از سقوط حتمی نجات داد (تسنیم، ۱۳۹۶). او در دوران دفاع مقدس، با تمام وجود در تمام صحنه‌ها حاضر بود و بعد از آن نیز جهاد و مبارزه را به هیچ دلیلی و بدون هیچ چشم داشت سیاسی کنار نگذاشت. خود را به هیچ دسته، باند و گروهی محدود نکرد و به همه جریان‌های درون نظام، صمیمانه وفادار بود و به همه احترام می‌گذاشت. از همین رو بود که همگان نیز او را دوست داشتند و به او احترام می‌گذاشتند. در صحنه‌ی بین‌المللی و جهانی نیز از محبوبیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود؛ زیرا نماد حضور یک مجاهد انقلابی در عرصه بین‌الملل بود که همه‌ی جریان‌های سیاسی بین‌المللی از او به عنوان کسی که صلح و آرامش منطقه را از طریق دفع اشراکات مثل داعش دنبال، و هزینه‌های زیادی را تحمل کرد تا بتواند با ریشه کن کردن عوامل شرارت، صلح و امنیت را به منطقه برگرداند، یاد می‌کنند. او در مقابل مردمان، انسانی متواضع و خاکسار بود تا آنجا که وقتی از منزل یکی از اهالی سوریه به عنوان مقر برای مبارزه با داعش استفاده می‌کنند، پس از شکست داعش، برای اهالی آن خانه نامه‌ای می‌نویسد و ضمن حلالیت گرفتن از آن‌ها، آدرس منزل و شماره تلفن خود را برایشان یادداشت و آن‌ها را خانه خود دعوت می‌کند (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۶).

محبوبیت او به گونه‌ای بود که حتی غربی‌ها نیز که دشمنان سرسخت او بودند، در نهان او را دوست داشتند. یک ژنرال آمریکایی پس از شهادت سردار دل‌ها نوشت: سلیمانی فرمانده‌ای بود که مثل الماس می‌درخشید. در اجرای تاکتیک‌های جنگی، فوق‌العاده بود. در سازماندهی حشدالشعبی با توانمندی بسیار بالایی عمل کرد. ما افتخار می‌کردیم اگر او در ارتش آمریکا خدمت می‌کرد. مشکل سلیمانی این بود که علیه ما بود (مشرق نیوز، ۱۳۹۸).

بدرقه بی‌سابقه پیکر پاک او و هم‌رزمانش، گویای آن است که او اکنون فراتر از یک قهرمان، به یک گفتمان تبدیل شده است. گفتمان سلیمانی، امتزاجی از خصایص انسانی و راهبردهای عقیدتی و سیاسی است؛ یک انسان مخلص و پاک و یک سرباز و سردار انقلابی استکبار ستیز. سلوک شهید سلیمانی مانند یک دستورالعمل و نسخه انسان ساز در تراز مدیر و مجاهد انقلابی شفاف‌بخش است و ویژگی‌های انقلابی و سیاسی او همچون یک مرز و منظومه‌ی بسیار شفاف و تفسیرناپذیر در مسائل مختلف داخلی و خارجی، راهگشا و چراغ راهنماست. حاج قاسم یک‌چیزی را در مکتب اسلام یاد گرفته بود که خوب است همه یاد بگیریم. خدا و مردم را مقابل هم نمی‌دید، باور داشت که برجسته‌ترین عبادتی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند خدمت به مردم است. حاج قاسم به معنی واقعی و نه شعاری و تعارف دغدغه مردم را داشت. دلواپس و عاشق مردم بود. حاج قاسم خدمت به بندگان خدا را قوی‌ترین ابزار تقرب الی‌الله می‌دید و عمرش را برای این کار هزینه می‌کرد.

– مصداق بارز یک انسان خوش‌خو و خوش‌رو بود و لبخند ملیح و دل‌نشینش، جذابیت چهره‌اش را دو چندان می‌کرد. با مغناطیس اخلاق نیکوی خویش، دل‌های انسان‌های بی‌شماری را به سوی خود جلب نموده بود. دوست داشتنی

بود و به همان میزان که در برابر دشمن با صلابت بود و لرزه بر اندام او می‌افکند در مقابل آحاد مردم متواضع و فروتن بود.

۸- نتیجه‌گیری

در سبک رهبری شهید سلیمانی مولفه‌های منحصر به فردی وجود دارد. در بین منابع نفوذ در مکتب شهید سلیمانی آنچه به او قدرت می‌بخشید، قدرت مرجعیت اجتماعی است که عمدتاً به شاکله‌ی شخصیتی او بر می‌گشت که موجب می‌شد قاسم سلیمانی محل رجوع دیگران قرار گیرد. قدرت مرجعیت اجتماعی و منحصر به فرد قاسم سلیمانی، هرچند به شاکله‌ی شخصیتی او وابسته است، منبع قدرتش الهی و نگاهش به آحاد مردم است و خود را بنده‌ای ناچیز در برابر خداوند متعال و سربازی برای ولایت و خادمی برای آحاد مردم می‌بیند. او حتی از کشتن سربازان دشمن نیز خشنود نبود. روح بی‌قرار او از راحتی و آسایش گریزان بود و او می‌خواست تا پایان عمر و تا آخرین نفس سخت‌کوشانه و مجاهدانه به پیش رود. ویژگی دیگر که بسیار مهم است تکلیف‌گرایی حاج قاسم بود. حاج قاسم باکی نداشت و تکلیف را انجام می‌داد و نتیجه هر چه رخ دهد. مهم‌ترین راز محبوبیت سردار سرافراز شهید حاج قاسم سلیمانی نیز در اخلاص اوست که در اعماق وجودش رسوخ نموده بود. پیوسته متوسل به آن اختران تابناک آسمان امامت و ولایت بود. هرگاه به زیارت مضجع شریف یکی از معصومین: تشرف می‌یافت، سُکر و نشئه حلاوت حضور در جوار مرقد مطهرشان، روح آسمانی‌اش را جلا می‌بخشید و بهجت و سروری تام و تمام جان شیفته‌اش را فرا می‌گرفت. سردار بزرگ اسلام، به غایت ولایتمدار بود که به رهبر و مقتدایش عشق می‌ورزید. حاج قاسم تربیت‌شده‌ی مکتبی است که انسان‌های یک‌بعدی را کامل نمی‌داند. می‌گوید که عالم تنها، عابد تنها، سیاست‌مدار تنها کامل نیستند. قدرت تدبیر و منطق استوار یک فرماندهی نظامی عملیاتی که دوره‌ی دانشگاه علوم سیاسی هم نگذرانده است اما رؤسای جمهور و شخصیت‌های بزرگ را متقاعد می‌کند. شهید حاج قاسم سلیمانی نه تنها پرچمدار و نماد مبارزه با استکبار جهانی، بلکه یک تفکر استکبارستیزی بود. اعتبار را میزان باور مخاطب به سخنان و رفتارهای رهبر توصیف کرده‌اند. این باور به صورت ویژه به تخصص‌های بی‌معنی تسلط بر موضوعات و اعتبار، متخصص بودن و اعتماد و قابل قبول بودن از ویژگی‌های او بود. تواضع و فروتنی بسیاری که در مقابل مردم داشت، برگرفته از اخلاص بی‌پایانش بود. جذابیت نیز از ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود. مردم معمولاً با اشخاصی تعامل می‌کنند که از نظر آن‌ها جذاب و قابل تحسین و به همین دلیل دارای قدرتی هستند که به آنها قدرت ارجاعی می‌گویند. جذابیت می‌تواند ریشه درونی و بیرونی داشته باشد. در مورد سردار دلها، آنچه او را بیشتر جذاب می‌کرد، چهره نافذ و نورانی و بیان معنوی ایشان بود. محبوبیت او به گونه‌ای بود که حتی غربی‌ها نیز که دشمنان سرسخت او بودند، در نهان او را دوست داشتند. بدرقه بی‌سابقه پیکر پاک او و همزمانش، گویای آن است که او اکنون فراتر از یک قهرمان، به یک گفتمان تبدیل شده است. گفتمان سلیمانی، امتزاجی از خصایص انسانی و راهبردهای عقیدتی و سیاسی است؛ یک انسان مخلص و پاک و یک سرباز و سردار انقلابی استکبارستیز. سلوک شهید سلیمانی مانند یک دستورالعمل و نسخه‌ی انسان ساز در تراز مدیر و مجاهد انقلابی شفاف‌بخش است و ویژگی‌های انقلابی و سیاسی او همچون یک مرز و منظمه بسیار شفاف و تفسیرناپذیر در مسائل مختلف داخلی و خارجی، راهگشا و چراغ راهنماست. خدا و مردم را مقابل هم نمی‌دید، باور داشت که برجسته‌ترین عبادتی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند خدمت به مردم است. حاج قاسم به معنی واقعی و نه شعاری و تعارف دغدغه مردم را داشت. دلواپس و عاشق مردم بود. مصداق بارز یک

انسان خوشخو و خوشرو بود و لبخند ملیح و دلنشینی، جذابیت چهره‌اش را دو چندان می‌کرد. با مغناطیس اخلاق نیکوی خویش، دل‌های انسان‌های بی‌شماری را به سوی خود جلب نموده بود. دوست داشتنی بود و به همان میزان که در برابر دشمن با صلابت بود و لرزه بر اندام او می‌افکند در مقابل آحاد مردم متواضع و فروتن بود. با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان بیان نمود که شخصیت کاریزماتیک شهید سلیمانی نفوذ اجتماعی بالایی داشت و اعتبار، مرجعیت اجتماعی و جذابیت بالایی داشت. شخصیت او یک بعدی نبود، در میدان مرد مبارزه بود و در عبادت، مرد سجاده، قاطعیت در کلام او بود، و مهربانی در کلام و بیان او. به همین دلیل سردار سلیمانی تبدیل به سردار دلها شد.

مراجع

۱. اکبری مزدآبادی، علی؛ ذوالفقار (۱۳۸۹) برش‌هایی از خاطرات شفاهی شهید حاج قاسم سلیمانی؛ چاپ ششم، تهران: نشر یا زهرا ۳، ۱۳۸۹ ش
۲. باشگاه خبرنگاران جوان؛ «نامه حلالیت سردار سلیمانی از یک خانواده سوری در عملیات آزادسازی البوکمال»؛ ۱۳۹۶/۰۹/۳۰.
۳. پایگاه اطلاع رسانی حوزه؛ «شاهکار حاج قاسم»؛ ۱۸/۱۰/۱۳۹۸.
۴. پایگاه خبری تابناک جوان؛ از خاطره‌ای از توصیه سردار سلیمانی به دخترش: ۱۹/۱۰/۱۳۹۸.
۵. تولایی، روح‌الله، صباغی، زهرا (۱۳۹۸)، طراحی الگوی مفهومی توسعه مدیریت جهادی با استفاده از ترکیب روش سیستم‌های نرم و نگاشت شناختی، فصلنامه بهبود مدیریت، ش ۹، س ۲۸: ۱۲۱-۱۴۵
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در منزل سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی؛ ۱۳/۱۰/۱۳۹۸.
۷. خبرگزاری تسنیم؛ توصیه‌های حاج قاسم به عزاداران مجلس حضرت زهرا؛ ۸/۱۱/۱۳۹۸.
۸. خبرگزاری تسنیم؛ متن کامل وصیت‌نامه حاج قاسم سلیمانی؛ ۲۴/۱۱/۱۳۹۸.
۹. خبرگزاری تسنیم، «گمنامی» وجه مشترک شهید سلیمانی و شهید حججی بود. ۱۰.۱۰.۱۳۹۹
۱۰. خبرگزاری دانشجویان ایران؛ «اعتراف مأمور سابق FBI درباره سردار سلیمانی»؛ ۲۸/۸/۱۳۹۷.
۱۱. خبرگزاری تسنیم؛ سردار سلیمانی و ۷۰ نفر از نیروهایش چگونه اربیل را نجات دادند؟؛ ۱۰/۹/۱۳۹۶.
۱۲. خبرگزاری برنا، ۲۵ ویژگی شاخص حاج قاسم سلیمانی، ۱۶.۱۰.۱۴۰۰
۱۳. رضائیان، علی. (۱۳۷۷). اصول مدیریت» تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ نهم
۱۴. قالیباف (۱۴۰۰)، در نشست با اعضای ستاد مردمی دومین سالگرد بزرگداشت شهید سلیمانی
۱۵. صیادزاده، سیادت، جمشیدیان (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین نفوذ اجتماعی مدیران گروه و تعهد سازمانی هیئت علمی از دید اعضای هیئت علمی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم.
۱۶. مجیدی، حسن (۱۳۹۹) ویژگی‌های شخصیتی، هویتی و مدیریتی شهید حاج قاسم سلیمانی، پژوهشکده سیاسی صدا و سیما.
۱۷. مشرق نیوز؛ «اعتراف ژنرال آمریکایی درباره شهید سلیمانی»؛ ۱۴/۱۱/۱۳۹۸.
۱۸. نواب، عبدالفتاح (۱۳۹۹) سخنرانی در کنگره بین‌المللی سرداران شهید مقاومت و اربعین

۱۹. وحیدی، محمد رستگار، عباسعلی و ابراهیمی، سیدعباس (۱۳۹۸)، شناسایی نگرشها و ذهنیتهای حوزه مدیریت جهادی، مدیریت اسلامی، س ۳۷، ش: ۸۳.
۲۰. Asch SE. ۱۹۵۶. Studies of independence and conformity: a minority of one against a unanimous majority. Psychol. Monogr. ۷۰:(۹) Whole No. ۴۱۶
۲۱. Brown, J.R.; Lusch, R.F.; Nicholson, C.Y. Power and relationship commitment: Their impact on marketing channel member performance. J. Retail. ۱۹۹۵, ۷۱, ۳۶۳–۳۹۲.
۲۲. Fornara, Carrus, Passafaro, Bonnes (۲۰۱۱). Distinguishing the sources of normative influence on proenvironmental behaviors: The role of local norms in household waste recycling, Group Processes & Intergroup Relations ۱۴(۵):۶۲۳-۶۳۵
۲۳. Kelman, H.C. Compliance, identification, and internalization three processes of attitude change. J. Confl. Resolut. ۱۹۵۸, ۲, ۵۱-۶۰.
۲۴. Milgram S. ۱۹۷۴. Obedience to Authority. New York: Harper & Row
۲۵. Moscovici, S., & Faucheux, C. (۱۹۷۲). Social influence, conformity bias, and the study of active minorities. In L. Berkowitz (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. ۶, pp. ۱۴۹-۲۰۲). London: Academic Press.
۲۶. McFarland, R.G.; Challagalla, G.N.; Shervani, T.A. Influence Tactics for the Adaptive as Effective Selling. J. Mark. ۲۰۰۶, ۷۰, ۱۰۳-۱۱۷
۲۷. Van Quaquebeke (۲۰۱۱), Individual differences in the leader categorization to openness to influence relationship: The role of followers' self-perception and social comparison orientation, Group Processes & Intergroup Relations ۱۴(۵):۶۰۵-۶۲۲
۲۸. Yukl, G. (۲۰۰۰), Influence tactics and leader effectiveness. Greenwich, CT: Information Age.